

فقیر محمد ودان

مؤرخ: ۲۱ سپتمبر ۲۰۱۶

به پیشواز بزرگداشت از بیستمین سالروز حماسه شهادت دوکتور نجیب الله رئیس جمهور

افغانستان و رهبر حزب وطن



راه و آرمانهای شهید دوکتور نجیب الله

قسمت نهم

با درک هدف استراتژیک حزب وطن و مختصات آن، اکنون جواب به این سوال ضرور دانسته می شود که: حزب وطن برای دست یابی به ارزشهای متضمن هدف استراتژیک خویش (جامعه رفاه)،

بطور مشخص کدام سیاست ها را در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی - امنیتی و روابط و مناسبات بین المللی مطرح و برای تعمیم و تحقق آنها مبارزه مینمایید؟.

حزب وطن چه در حالت اپوزسیون، چه شریک در حکومت و چه در حالتی که حکومت را در دست داشته باشد، مبارزه در راه ارزشهایی را وظیفه و مسوولیت خود میداند که در مرامنامه مصوب مجمع عمومی مؤرخ 5 میزان 1391 این حزب منعکس و کشور ما را گام به گام بسوی تامین بنیادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دفاعی - امنیتی "جامعه رفاه" نزدیک ساخته و سرانجام نظام متذکره را تحقق می بخشد. متن این مرامنامه را میتوانید در ذیل مطالعه نمائید:

مرامنامه حزب وطن مصوب مجمع عمومی

مؤرخ پنجم میزان 1391- کابل - افغانستان

بنام خداوند بخشنده و مهربان

مرامنامه حزب وطن

وطن محبوب ما افغانستان کشور واحد، مستقل، اسلامی، مهد تمدنهای باستانی، دارای تاریخ کهن، مردم با شهامت، سنن پسندیده و غنای طبیعی است.

افغانستان سرزمین نهضت ها و مبارزات ملی، آزادیخواهانه و مهد پرورش رجال و شخصیت های نامدار و پر افتخار است. تاریخ وطن ما مشحون از مبارزات و مجاهدات مردم ما بخاطر دفاع از عقاید دینی، سرزمین، آزادی، ارزشها و نوامیس ملی، تحکیم وحدت ملی و تعمیم دموکراسی است. این مبارزات در تلاش نیروهای آزادیخواه، ضد استعمار، ضد استبداد و نهضت های روشنفکرانه

انعکاس درخشان یافته که صفحات تاریخ پرافتخار ملی ما را زینت بخشیده ، تجارب غنی و درسهای آموزنده را برای نسلهای بعدی نهضت ترقیخواهانه ، به ارمغان گذاشته اند ، که در صورت توجه به این تجارب و درسها ، پالایش ، غنا و انسجام آن بمثابه دستگاه اندیشه یی - سیاسی ، میتوانند و میتوانند بمثابه چراغ ، راه پرفراز و نشیب مبارزات وطندوستان ترقیخواه افغان را روشن سازند.

اما باتأسف حین تشکل مجدد سازمانی طی «دههٔ دموکراسی» (1343 - 1352 هـ ش) کادر متبارز رهبری سیاسی افغانستان ، بی توجه به تجارب و درسهای فوق الذکر ، نهضت را از بستر طبیعی آن انحراف داده ، تحت تاثیر جنگ سرد میان ابر قدرت های جهانی، گرایشات ایدئولوژی (چپ و راست) را تبارز و سرانجام برخلاف منافع ملی ، کشور را در شرایط اوج این جنگ ، به گِرهگاه رقابت میان قدرت های مذکور و اقمار منطقوی شان ، مبدل ساختند ، که در نتیجهٔ آن بهانه برای مداخلات گسترده خارجی در امور کشور را تدارك و خود بمثابه عوامل داخلی این مداخلات ، چه بسا با توسل به قوای نظامی و سلاح ، در تقابل باهم عمل کردند.

تجاوز نظامی اتحاد شوروی در 6 جدی 1358 ، تشدید و گسترش مداخلات علنی قدرت های جهان و کشورهای رقیب منطقوی را در امور داخلی افغانستان ، باعث گردید و بر پیچیدگی اوضاع چنان افزود که حتی بعد از اخراج نیروهای متجاوز از کشور – که بر بنیاد اعلام و تعمیم مشی مصالحه ملی و مبتنی بر توافقات ژینودر 26 دلو 1367 صورت گرفت – نیز نه تنها این مداخلات و جنگ های خونین ناشی از آن ، قطع نگردید، بلکه با نقض توافقات مذکور و بعد با ناکام ساختن پلان صلح پنج فقره یی سرمنشی ملل متحد در 27 حمل 1371 و نتایج بعدی آن (توطئه خارجی فروپاشی حزب وطن از داخل ، فروپاشی ساختار های دولتی منجمله قوای مسلح جمهوری افغانستان ، انتقال قدرت به مجاهدین، تداوم جنگ داخلی، ظهور و به قدرت رسانیدن طالبان و تبدیل افغانستان به مرکز بین المللی بنیادگرایی، تروریزم و تولید مواد مخدر) این بحران و جنگ ناشی از آن ، عمق و گسترش هرچه بیشتر یافت که قیمت آنرا مردم افغانستان با شهادت ، معیوبیت و معلولیت ده ها هزار تن از

فرزندان شان، مهاجرت صدها هزار خانواده، منجمله روشنفکران و کادر های ملی، ویرانی کشور، غارت و نابودی نهاد های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با زمینه یافتن نفاق ملی، پرداختند.

حوادث سالهای جنگ، رقابت های درونی هریک از جوانب متخاصم داخلی و رویارویی این جوانب بر سر حفظ، تحکیم و یا بدست آوردن قدرت و بالاخره اوضاع ماهیتاً جدیدی که بعد از اضمحلال اتحاد شوروی (دسامبر 1991) و بخصوص بعد از حادثه 11 سپتامبر 2001، شکل گرفت و با مداخله نظامی ایالات متحده امریکا و جامعه جهانی به سقوط اداره طالبان و توافقات بن (دسامبر 2001) انجامید، طرفهای متخاصم داخلی در قضیه افغانستان را از لحاظ ایدئولوژیک و تشکیلاتی به بحران کشید و فروپاشی آغاز شده سیاسی - تشکیلاتی این نیروها را سرعت هرچه بیشتر بخشید. در تداوم این فروپاشی، نیروهای بالنده و مستعدی سربلند نمودند که بانقد علمی گذشته، تمایل جهت پیوسته های فکری - سیاسی و تشکیلاتی جدیدی را تبارز میدهند.

یکی از نیروهای فوق، وظیفه انسجام دوباره اعضای حزب وطن و حضور مجدد این حزب در وضعیت سیاسی کشور را در برابر خویش قرار داد. حضور مجدد حزبی را که قبل از همه و بمثابة نیروی پیش قرآول، تحت رهبری شهید دوکتور نجیب الله در جریان شدت تقابل مسلحانه در دهه شصت خورشیدی، به حقیقت انحراف نهضت ترقیخواهانه کشور از بستر طبیعی آن دست یافت؛ گرایشهای متخاصم ایدئولوژیک را نقد کرد؛ با حل نظامی معضله افغانستان مخالفت نمود؛ به تجارب تاریخی نهضت های ترقیخواهانه کشور، ارزشهای دین مقدس اسلام و سنن و عنعنات پسندیده کشور رجوع نمود و بر بنیاد این ارزشها و وضعیت موجود، اندیشه سیاسی مصالحه ملی را انسجام بخشید؛ مشی مصالحه ملی را بر مبنای تفاهم بین الافغانی اعلان کرد و راه حل سیاسی و صلح آمیز معضله افغانستان را برگزید.

در چنین اوضاع است که حزب وطن با تکمیل پروسه انسجام مجدد و مبتنی بر ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی جدید افغانستان (مصوب لویه جرگه مورخ 22 قوس 14 - جدی 1383) و

قانون احزاب (نافذ شده در 22 میزان 1382) ، به دور جدیدی از مبارزه و فعالیت خویش آغاز مینماید . بنابراین حزب وطن از تاسیس و همان آغاز فعالیت خویش (سرطان 1369) نیروی ماهیتاً جدید سیاسی است که از متن نهضت آزادیبخش و ترقیخواه افغانستان و بمثابه وارث این نهضت ، قامت برافراشته ، با در نظر داشت درسها و تجارب حاصله از آن ، بدون ذهنیگری ، شتابزدگی و آرمانگرایی ، متکی بر تحلیل های علمی از اوضاع اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی کشور، اوضاع منطقه و جهان و با احساس مسوولیت در برابر مردم و تاریخ افغانستان ، یک بار دیگر وارد وضعیت سیاسی کشور گردیده ، با روحیه همکاری و تفاهم صادقانه با سایر نیروهای ملی ، تحول طلب ، ترقیخواه و طرفدار جامعه مدنی ، جهت غلبه بر مشکلات کنونی و در ضدیت با هرگونه گرایشهای عقبگرایانه و محافظه کارانه، عمل مینماید.

خصلت ملی و دموکراتیک مبتنی بر ارزشهای ترقیخواهانه فرهنگ افغانی ، مشخصه اساسی و سرشت حزب وطن محسوب میگردد . حزب در پندار ، گفتار و کردار خود به این ارزشها که ریشه های عمیق در فرهنگ و ارزشهای عام بشری دارند ، متعهد است . برین بنیاد حزب وطن طرفدار تحولات عمیق و کیفی اجتماعی و اقتصادی است، اما دستیابی به این تحولات را با توسل به توطئه ، عمل نظامی ، اعمال زور و خشونت ، انحصار قدرت ، سوق جبری جامعه در مسیر کلیشه های ذهنی و پرش از مراحل ضرور رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی ، کاملاً مردود میداند و معتقد است که تحولات اجتماعی - اقتصادی در نتیجه تلاش میلیونها انسان برای دگرگون ساختن وضع نامطلوب موجود و نیل به ترقی، عدالت اجتماعی و رفاه عامه در يك پروسه ریشه دار تاریخی ، تحقق میپذیرد . بنابراین حزب پشتیبان پروسه تحقق رشد و انکشاف اجتماعی - اقتصادی و شگوفایی هرچه بیشتر فرهنگ ملی ، با خصلت تدریجی و صلح آمیز آن میباشد ، که با اشتراك آگاهانه و داوطلبانه میلیون ها انسان هموطن ما میباید صورت گیرد . حزب نقش خویش را در این پروسه بمثابه نیروی آگاه و متشکل سیاسی ، در ترویج افکار و اندیشه های ترقیخواهانه ، سمت دادن و رهبری حرکت سیاسی هموطنان برای دستیابی به اهداف مذکور، ایفا مینماید.

حزب وطن با اتکا به مختصات جامعه افغانی ، وظایف اساسی خویش را در مرحله کنونی ، مبارزه بخاطر استقرار صلح واقعی و عادلانه ، اعمار مجدد ، انکشاف اقتصادی و اجتماعی وبمنظور ارتقای سطح رفاه مردم ، تامین پروسه قانونمند خودآگاهی و وحدت ملی ، گسترش و تعمیق دموکراسی قرار داده و در نهایت از پروسه ایجاد ، تحکیم ، گسترش و تعمیق ارزشهای جامعه رفاه در عرصه های زیستی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی حیات جامعه ، دفاع نموده از نقش ساختارهای جامعه مدنی به هدف تامین مشارکت آگاهانه مردم درین پروسه حمایت مینماید . ما جامعه رفاه را متشکل از افراد آزاد و با حقوق مساوی می پنداریم که آنان در یک نظام اجتماعی مردم سالار و حقوق بنیاد از امکانات برای تامین امنیت و رفاه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی برخوردار گردیده ، حقوق و مکلفیت های قانونی شان را در پروسه زیست باهمی درک و توأم با تبارز فرهنگ عالی و احساس قوی هموطنی تعمیل نمایند .

حزب وطن برای دستیابی به اهداف دورنمایی فوق، مرامنامه ذیل را که با احکام دین مقدس اسلام ، قانون اساسی کشور، مفاخر ملی ، اصالت افغانی و ارزشهای عام بشری مطابقت دارد، مطرح نموده ، تمام اعضا و هواداران خویش را جهت بسیج مردم درجهت مبارزه برای تحقق آن فرا میخواند.

در عرصه سیاسی:

- حزب براساس سرشت ملی خویش از استقلال ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور ، حفظ و استحکام وحدت ملی افغانی دفاع نموده ، در صورت تهدید منافع ملی ، بر رجحان این منافع بر منافع حزبی ، طبقاتی ، قشری ، صنفی ، قومی ، قبیله ای، سمتی و محلی تأکید مینماید.

- برای تامین حیات مدنی معاصر ، تاسیس و تقویت نهاد های سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی دموکراتیک را با سهمگیری مناسب وبدون تبعیض همه اقوام ، پیروان مذاهب و ساکنین مناطق مختلف کشور ضرور پنداشته ، از تحکیم قانونیت ، رعایت اصول دموکراسی ، کثرت گرایی سیاسی ، تعمیل

انتخابات آزاد ، مستقیم ، سری ، مساویانه و دموکراتیک به ترتیبی که هیچ نیروی سیاسی و گروه های اجتماعی اعم از زنان و مردان از شرکت با حقوق مساوی (یک فرد یک را) در آن مستثنا نباشند ، پشتیبانی نموده، معتقد است که حاکمیت سیاسی به مردم افغانستان تعلق دارد ، این مردم افغانستان اند که حق دارند از طریق انتخابات قانونی در مورد تعویض مشروع حاکمیت تصمیم بگیرند . بنابراین حزب با انتقال قدرت به طرق غیر قانونی و نامشروع منجمله با توسل به زور، اسلحه ، توطئه و کودتا مخالف است . به همین جهت ما از نفی کامل تمایلات نظامیگرانه در احزاب پشتیبانی مینمائیم . به عقیده ما نظام قانونی زمانی تکمیل میگردد که اتباع افغانستان و نهاد های جامعه افغانی به شمول ارگانها و مقامات دولتی حقوق و مسوولیت های متقابل قانونی داشته و قانون بر ایشان بطور یکسان و بدون تبعیض و تمایز تطبیق گردد.

- حزب وطن لویه جرگه را نهاد سیاسی عنعنوی و باستانی افغانستان برای اتخاذ تصمیم در موارد مسایل اهم ملی دانسته از آن توأم با تکامل نحوه دعوت و ترکیب اعضا ، محتوای کار و طرز العمل تصمیم گیری آن در هماهنگی با مقتضیات دموکراسی ، پشتیبانی مینماید . به همین ترتیب ما از تشکیل جرگه ها بمثابه یکی از ارگانهای ساختار دولتی در مرکز و تمام واحد های محلی قدرت و اداره دولتی دفاع نموده ، جهت انتقال صلاحیت های قانونی به جرگه های مذکور برای حل مسایل اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ساحه مسوولیت شان، مبارزه مینمائیم.

- حزب بخاطر حفظ و حراست نوامیس ملی در حالیکه از تشکیل اردوی ملی با کمیت مطابق به ضرورت و با پرسونل کارآزموده ، مجرب ، با کادر مسلکی تحصیل یافته و سمبول وحدت ملی و همچنان بر استفاده ضرور و لازمی از سایر امکانات ، پشتیبانی مینماید ؛ معتقد است که مسایل مورد اختلاف داخلی به طرق سیاسی ، صلح آمیز و عادلانه حل و فصل گردد . همچنان در صورت رفع تضمین شده تهدید های خارجی ، از هر نوع تلاش بخاطر تثبیت اصل بیطرفی دایمی و غیر نظامی

ساختن افغانستان از طريق عقد توافقات و تضمين هاى معتبر بين المللى و منطقوى تحت نظر سازمان ملل متحد، حمايت مينمايد.

- حزب با اعتقاد به اين حقيقت كه غلبه بر مشكلات كنونى کشور و دستيابى به اهداف سياسى، اقتصادى و اجتماعى مطروحه مرحله كنونى نميتواند كار يك حزب و يا نيروى سياسى باشد ، به اصل تشريك مساعى با ساير احزاب ، سازمان هاى اجتماعى ، كانون هاى فرهنگى ، مراكز علمى و اكادميك و شخصيت هاى با اعتبار ملى و مذهبى طرفدار جامعه مدنى ، معتقد بوده ، براى تامين اين امر از سياست تشكيل جبهه واحد سياسى با اين نيروها و همچنان از ائتلافهاى سياسى ، پشتيبانى نموده براى تعميل آن مجاهدت مينمايد.

[قسمت اول](#)

[قسمت دوم](#)

[قسمت سوم](#)

[قسمت چهارم](#)

[قسمت پنجم](#)

[قسمت ششم](#)

[قسمت هفتم](#)

[قسمت هشتم](#)